



پداگوژی المپیک

نویسنده: دکتر هرمن آندرکس^۱ | مترجمان: ماندانا آجودان گرکانی و غلامرضا سراجزاده

اشاره

با بیش از چهل سال تجربه در امر تدریس، زمانی که برای نخستین بار به این موضوع برخورد کردم، حیرت زده شدم. آموزش پدیده‌ای است که بسیاری از مردم خود را کارشناس و خبره‌ی آن می‌دانند. چرا که چندین سال تحصیل در مدرسه را تجربه کرده و یا نقش یکی از والدین (پدر یا مادر) را برعهده داشته‌اند و از این طریق، حداقل شکاف عظیم بین نظر و عمل را شناخته‌اند. در مورد «المپیزم» هم به چنین وضعیتی می‌رسیم. «پداگوژی»، علم نظری یاددهی- یادگیری و توجه به بخش عملی آن است و می‌توانیم از آن به‌عنوان «هنر تعلیم و تربیت» یاد کنیم. اما آیا پداگوژی المپیک از مبنای نظری خاص خود برخوردار نیست؟

از منظر علم، پاسخ به این پرسش بسیار دشوار است. هنوز ذهنیت مادر مورد موضوع کامل نیست. هنوز نظامی از فرضیه‌ها و مؤلفه‌هایی که با آن‌ها بتوان مبنای دستوری، علمی، سیاسی و اقتصادی پدیده‌ای به نام پداگوژی المپیک را مورد بررسی قرار داد، در دسترس نداریم. شاید علت ناآگاهی ما این است که تاکنون موضوع المپیزم با دقت مورد توجه قرار نگرفته است. خوش‌بختانه دلایل و منابع موجود در نوشته‌های **کوبرت-ن** حاصل تلاش پایان‌ناپذیر وی در راستای ترویج المپیک- در دسترس ما هستند. تعریف المپیزم بر مبنای عقاید کوبرت-ن را می‌توانیم در اصول المپیک، راهنمای کمیته‌ی بین‌المللی المپیک و جنبش المپیک بیابیم و به‌خاطر بسپاریم.

اصل اول

محدودیت‌های ابزاری و اجرایی، در راه ترویج صلح گام برداشته است.

مشکل آموزش المپیک این است که حق قانونی ندارد. در حالی که دولت‌ها بنا بر تکالیف خویش ناچارند که به افراد جامعه توجه داشته باشند و آموزش را برای همه تأمین کنند، و کلیساها اعضای خود را ملزم به پیروی از قوانین کلیسا و تأثیرگذاری بر باورهای دیگران می‌کنند، چنین الزامی در زمینه‌ی آموزش المپیک وجود ندارد. هیچ‌یک از **اعضای جنبش المپیک** را نمی‌توان به پیروی از قوانین واداشت. با وجود حضور ما در اجلاس کمیته‌ی بین‌المللی المپیک، مدرسه‌های مخصوص آموزش المپیزم وجود ندارد. بنابراین، با وجود شباهت‌هایی که هدف‌های کلی و هدف‌های جزئی یا رفتاری المپیزم

المپیزم فلسفه‌ی زندگی، تعالی و تلفیق متعادل جسم، اراده و ذهن است. المپیزم از طریق ادغام ورزش با فرهنگ و آموزش، به‌دنبال ایجاد روش زندگی نویی است؛ روشی که لذت حاصل از تلاش، ارزش آموزشی الگوهای مناسب و احترام به اصول اخلاقی جهانی را دربرمی‌گیرد.

اصل دوم

هدف از المپیزم به خدمت گرفتن همه‌ی ورزش‌ها برای تکامل بشر و تشویق به ایجاد جامعه‌ای صلح‌آمیز با در نظر گرفتن اعتبار و شأن انسانی است. جنبش المپیک تاکنون با این هدف، به تنهایی یا با همکاری نهادهای دیگر و با وجود

با سرفصل‌های درس تربیت‌بدنی دارد، ناچار باید رویکرد متفاوتی را در نظر بگیریم. انگیزه‌های اصلی پداگوژی المپیک با آموزش المپیک که بتواند سرچشمه‌ای برای تعیین اهداف آموزشی باشد، کدام است؟ چرا باید آموزش المپیک در مدارس، باشگاه‌ها و مؤسسه‌ها ارائه شود؟ آیا نیاز خاصی احساس می‌شود؟ آیا بدون تغییر در محتوای آموزشی، نمی‌توانیم ماده‌ی درسی دیگر مانند درس تربیت‌بدنی را به جای درس آموزش المپیک ارائه دهیم؟ پاسخ به این پرسش ما را به مقصد آموزش المپیک می‌رساند.

وقتی که پیر کوپرتن، بیش از صد سال پیش، درباره‌ی لزوم شروع دوباره‌ی بازی‌های المپیک سخن گفت، فقط به اهداف تعلیمی و تربیتی می‌اندیشید. برگزاری رقابت‌های ورزشی برای جوانان جهان به معنای ترویج خصلت‌های انسانی، از جمله سعی در ارائه‌ی بهترین عملکرد فردی، رعایت احترام متقابل، حفظ روحیه‌ی آماتورسیم (گرایش به ورزش غیر حرفه‌ای) و همکاری با یکدیگر برای برقراری صلح جهانی است. هدف شرکت‌کنندگان در فعالیت‌های ورزشی باید آموزش متناسب و هماهنگ باشد، به طوری که بین بدن، ذهن و شخصیت آن‌ها ارتباط برقرار شود. تا پیش از این، بازی‌های المپیک توجه مردم جهان را به خود جلب نمی‌کرد، اما امروز با گسترش رسانه‌های گروهی، علاقه به این پدیده روزبه‌روز افزایش می‌یابد. اکنون می‌توان گفت که هیچ پدیده‌ای نمی‌تواند بیشتر از بازی‌های المپیک توجه جهان را به خود جلب کند. شاید کوپرتن به نیروی پیش‌برنده‌ی بازی‌ها پی‌برده و از این‌رو مسئولیت به‌کارگیری آن‌ها را برای دستیابی به مقاصد آموزشی را برعهده گرفته بود.

یکی از دلایل با اهمیت بودن بازی‌های المپیک این است که اصول و آرمان‌های زیربنایی بازی‌ها به وسیله‌ی شرکت‌کنندگان و سازمان‌دهندگان آن پی‌گیری می‌شود. این زمینه‌ی روحی یا معنوی با نام **المپیزم**، نه فقط به وسیله‌ی ورزشکاران و مسئولان، بلکه آموزش‌دهندگان و سازمان‌های متعدد ترسیم شده است و انتشار می‌یابد. از آنجا که پدیده‌ی المپیک در حال رشد و تحول

دائمی است، به تبیین مداوم در متن جامعه و به‌وسیله‌ی جامعه نیاز دارد. به این ترتیب، تأکید بر جنبه‌های آموزشی ورزش المپیک در بندها و قوانین اصول زیربنایی بیانیه‌ی المپیک، تعجب‌آور نخواهد بود.

آموزش المپیک دستوری یا تجویزی نیست. لازم است که بیش از پیش شناخته شود و با دنیای ورزش از تباطؤ نزدیک‌تری برقرار کند

در دهه‌ی ۷۰ قرن بیستم میلادی، آموزش ورزش و آموزش المپیک اهمیت خاصی پیدا کرد که برخی از دلایل آن عبارت‌اند از: از بین رفتن ارزش‌های سنتی جامعه، افزایش گرایش به خشونت ناشی از عدم پذیرش و تحمل اقوام و نژادهای دیگر، خودپسندانه‌تر زندگی کردن و عدم درک موقعیت. نمونه‌هایی از این گرایش‌ها را، می‌توان در افزایش تعداد خطاهای بازی‌ها، خشونت، نفوذ هرچه بیشتر تبلیغات، دوپینگ، و ایزاری شدن رویدادهای ورزشی مهم (نماش بازی‌ها و منافع آن‌ها) مشاهده کرد. حتی در بازی‌های ورزشی مدارس هم «خصلت‌های انسانی» که در انجام بازی جوانمردانه، حفظ روحیه‌ی تیمی، کسب لذت حاصل از تلاش و استقامت، مجال ظهور می‌یابد، به دلیل رواج بازی‌ها و سرگرمی‌های کوتاه‌مدت و فوری، کم‌رنگ شده‌اند. از طریق آموزش ورزش به نسل جوان، می‌توان جنبش المپیک را عاملی که به ساختن جهانی صلح‌آمیز کمک می‌کند، به‌شمار آورد.

به نظر می‌رسد که آموزش المپیک هم‌راستا با عقاید کوپرتن، به معنای ارائه‌ی مفاهیم آموزشی دور از دسترس است. **مولر**، آموزش المپیک را به این شرح توصیف می‌کند: «مجموعه‌ای از تجربه‌های یک زندگی پربار است که فرد طی آن‌ها، از طریق انجام فعالیت‌های ورزشی، تلاش سازمان‌یافته برای بهبود عملکرد ورزشی، کسب تجربه‌های اجتماعی براساس دوستی و همکاری، به اشتراک گذاشتن تجربه‌های

شناختی در جلسه‌های بحث و تبادل نظر در مورد موضوع المپیک، روندی تکاملی را طی می‌کند» [Muller, ۱۹۹۱: ۴۹-۵۳].

براساس منشور المپیک، «کمیته‌ی بین‌المللی المپیک» باید مسئولیت ترویج اخلاق ورزشی و انجام بازی جوانمردانه و حمایت از نه فقط آکادمی‌های ملی المپیک به عنوان «نهاد آموزش المپیک»، بلکه سایر نهادهایی که با هدف آموزش المپیک به فعالیت می‌پردازند، را برعهده گیرد. «آکادمی بین‌المللی المپیک»، از بدو تأسیس (۱۹۶۱) تاکنون، وظیفه‌ی آموزش المپیک را از طریق برگزاری نشست‌های متعدد برای دانشجویان، مسئولان و مربیان، و در رشته‌های تخصصی، برای صاحب‌نظران علم آموزش (از سال ۱۹۷۳) به انجام رسانده است.

نهاد دیگر، «کمیته‌ی بین‌المللی کوپرتن»^۳ (CIPC) است که در مقام حافظ اندیشه‌های کوپرتن و در راستای تفسیر دقیق و انتشار دیدگاه‌های وی می‌کوشد و از طریق برگزاری جلسه‌های بحث و تبادل نظر دوسالانه (از سال ۱۹۹۷)، برای دانشجویان دانشکده‌های پیر کوپرتن، در راه آموزش المپیک گام برمی‌دارد.

از نهادهای دیگر که با آموزش المپیک سر و کار دارند، «آکادمی‌های ملی المپیک و بنیاد آموزش ورزش المپیک»^۴ (FOSE) هستند که از روش‌های کمیته‌ی بین‌المللی المپیک پیروی می‌کنند.

«مؤسسه‌ی طرح آموزشی بین‌المللی»^۵ (EDI)، در طراحی و اجرای پروژه‌ها و برنامه‌های آموزشی تخصص دارد.

«فدراسیون بین‌المللی مدرسه‌ی ورزش»^۶ (ISF) با برگزاری رقابت‌های ورزشی مدارس در سطح بین‌المللی، به طریق عملی آموزش المپیک را رواج می‌دهد. این مؤسسه به‌طور رسمی اعلام کرده است که اصول المپیک در همه‌ی رقابت‌های ورزشی لازم‌الاجرا هستند. هم‌چنین، لازم است که به مسئولان آموزش ملی هم توجه شود که رهنمودهای بیانیه‌ی المپیک را به‌کار گیرند. یعنی، اصول زیربنایی المپیزم را در متن فعالیت‌های ورزشی ملی و حتی فعالیت‌های مرتب‌دیگر اجرا کنند و

المپیزم را در برنامه‌های درسی تربیت‌بدنی و ورزش مدارس و حتی نهادهای دانشگاهی رواج دهند.

البته چنان که یاد شد، نقطه‌ی ضعف آموزش المپیک این است که هنوز آموزگاران متخصص تدریس این رشته تربیت نشده‌اند. اهداف آموزش المپیک از دیدگاه کوپرتن و توصیف‌شده از سوی او **اوموگروپ^۲** را می‌توان در پنج اصل زیر دسته‌بندی کرد:

۱. ایجاد تعادل بین بدن، ذهن و روح.^۱
۲. تلاش برای ارائه‌ی بهترین عملکرد.
۳. کسب لذت حاصل از تلاش بدون چشم‌داشت مادی (آماتوریزم).
۴. رعایت جوانمردی و انجام بازی جوانمردانه.

۵. رعایت احترام متقابل و تلاش برای برقراری صلح.

به هر صورت، برای هدف‌های آموزش المپیک محدودیت‌سنی وجود ندارد و با وجود اختلاف‌های جزئی همه‌ی مارادبرمی‌گیرند. برخی از این هدف‌ها به شرح زیرند:

۱. در افتخارات غرق نشدن:

ورزشکاران برتر نباید در افتخارات پیروزی‌هایشان غرق شوند و قلمروهای دیگر زندگی و فرهنگ را از یاد ببرند. ورزشکاران جوان نیز نباید به مدرسه که بخش مهمی از زندگی آینده‌شان را تشکیل خواهد داد، بی‌توجهی کنند. افرادی که کمتر به فعالیت بدنی می‌پردازند نیز باید برای سالم ماندن، حفظ تعادل روانی خود و ایجاد روابط اجتماعی، اقدام کنند. انجام فعالیت بدنی به‌ویژه برای حفظ تحرک و اعتمادبه‌نفس سالمندان لازم است.

۲. کوشش در جهت رشد فردی:

تلاش برای ارائه‌ی بهترین عملکرد فقط به معنای به‌دست آوردن رکورد و ارائه‌ی عملکردهای عالی و کسب نتایج خوب نیست، هدف اصلی برنده شدن نیست.

البته به استثنای پیروزی بر نفس خود بلکه خوب جنگیدن اهمیت دارد. هدف نهایی

همراهی با این دیدگاه است، نه حضور در رقابت‌های ورزشی المپیک؛ در واقع کوششی پایان‌ناپذیر در جهت رشد و ارتقای فرد از طریق انجام فعالیت‌های ورزشی است.

۳. گرایش به ورزش غیرحرفه‌ای (آماتوریزم):

به دلیل مشکلاتی که برای شرکت‌کنندگان در بازی‌ها به‌وجود می‌آید، «کمیت‌هی بین‌المللی المپیک» از لزوم آماتور بودن ورزشکاران صرف‌نظر کرد. بدیهی است، کسب آمادگی طی چندین سال تلاش به‌منظور دست‌یابی به نتایج عالی، به از خودگذشتگی و وقف کامل خویش نیاز دارد. از آن‌جا که روند تمرین‌های ورزشی و پیشرفت کامل در حدود ۱۰ سال طول می‌کشد، ورزشکاران برای امرار معاش خود قادر به انجام کار دیگری نیستند. بنابراین نمی‌توان از این افراد انتظار شرایط آماتوری داشت. در عین حال، گرایش به ورزش غیرحرفه‌ای (آماتوریزم)، هدفی است که باید مصرا نه پرورش و گسترش یابد. گرایش به ورزش غیرحرفه‌ای یکی از فضیلت‌هایی است که بدون آن ورزش سامان نمی‌گیرد.

چند باشگاه ورزشی کوچک و افراد زیاد پرشور و شوقی را در نظر بگیرید که فقط به خاطر خود ورزش به آن می‌پردازند و برای انجام این

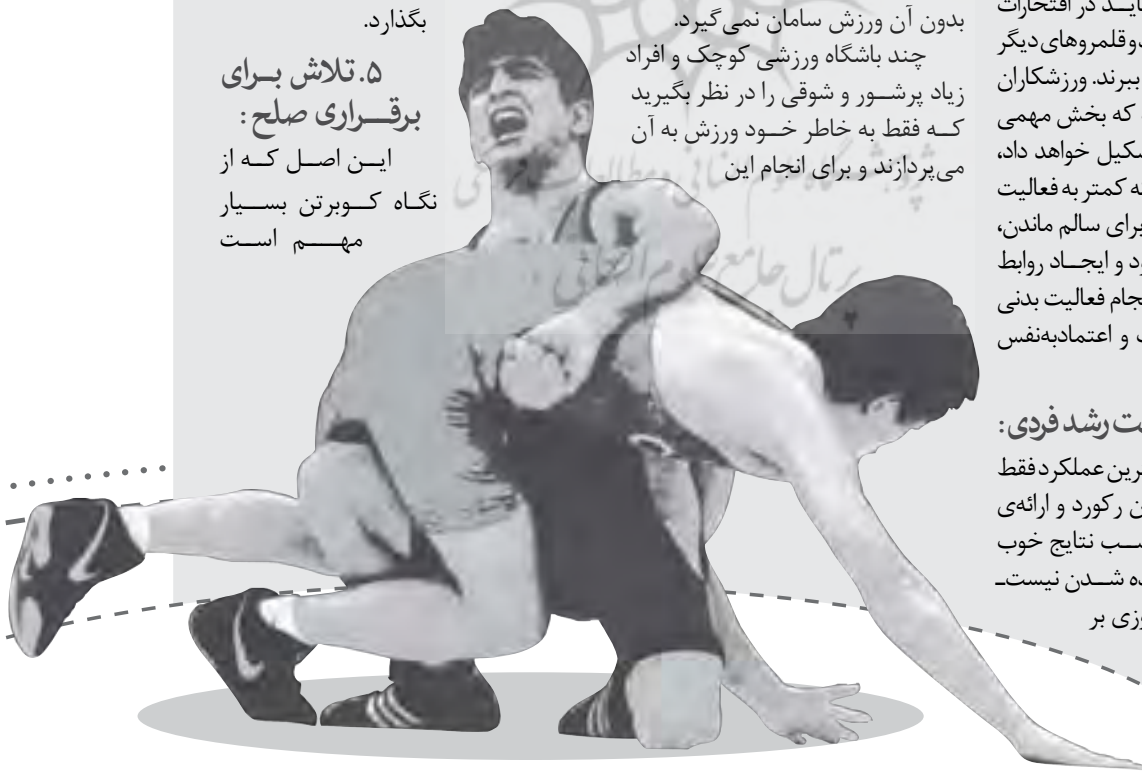
کار پول می‌پردازند. میلیون‌ها نفر علاقه‌مند به ورزش، هر روز در گفت‌وگوهای تلویزیونی شرکت می‌کنند و ورزش بدون توجه آن‌ها، بدون شرکت‌کننده، بدون تماشاچی و حتی بدون پشتیبان مالی می‌ماند. حتی فرصت ظهور لحظه‌های جذاب و دیدنی از بین می‌رود. آماتوریزم یا ورزش کردن داوطلبانه، هدیه‌ای است که این افراد به جامعه تقدیم می‌دارند. می‌توان آن را نوعی از خودگذشتگی برای بشریت، فرصتی برای سنجش خویش و احساس زنده بودن برشمرد.

۴. رعایت احترام متقابل و انجام بازی جوانمردانه:

کوپرتن همواره از عشق به زندگی و آزادی عمل دفاع می‌کرد. انجام فعالیت‌های ورزشی، بدون خطر کردن و غلبه بر محدودیت‌های فردی، فایده‌ای نخواهد داشت. آزادی عمل در ورزش، شخصیت فرد را به شکلی می‌سازد که بتواند **سلامتی، صداقت** در ایجاد فرصت‌های برابر و **فروتنی** هنگام پیروزی را به نمایش بگذارد.

۵. تلاش برای برقراری صلح:

این اصل که از نگاه کوپرتن بسیار مهم است



و در بیشتر نوشته‌های وی به چشم می‌خورد، رابطه‌ی نزدیکی با انجام بازی جوانمردانه و رعایت احترام متقابل دارد. برقراری صلح و دوستی بین انسان‌ها، هدف اصلی آموزش المپیک بود و باید از سوی همه‌ی ورزش‌ها و نه فقط بازی‌های المپیک، مورد توجه قرار گیرد. زبان ورزش آسان و به‌راحتی، حتی در جوامع بسیار پیچیده، قابل درک است. در قلمرو ورزش مردم نقاط متفاوت جهان و با مذاهب و جهان‌بینی‌های گوناگون، با یکدیگر ملاقات می‌کنند و یکدیگر را می‌پذیرند. با وجود همه‌ی اختلاف‌ها، عشق به

ورزش باعث شناخت انسان‌ها از یکدیگر و احترام متقابل می‌شود. اگر گاهی برخوردهایی هم ایجاد شود، بی‌درنگ خاتمه می‌یابد. ورزش‌های تیمی ویژگی خاصی دارند که به حل تضادها و اختلاف‌ها و انجام بازی جوانمردانه کمک می‌کند.

محتوای آموزش المپیک

تاکنون کارهای ابتکاری زیادی برای آموزش المپیک انجام شده است. برگزاری اردوهای المپیک جوانان، از قدیمی‌ترین نوآوری‌های کوتاه‌مدت است که با ترغیب و تأکید «کمیته‌ی بین‌المللی المپیک»، توسط کمیته‌های برگزارکننده انجام می‌گیرد. شایسته است که این اردوها به‌صورت اجباری برگزار شوند. البته، تلاش‌های قابل توجهی که از طریق برگزاری نمایشگاه، نصب پوستر و گشایش موزه‌ی المپیک مختص بازی‌ها، و اجرای برنامه‌های فرهنگی به منظور آشنا کردن

بازدیدکنندگان با اصول المپیک انجام می‌شوند، از افتخارات مجریان این طرح به‌شمار می‌آیند. علاوه بر این، می‌توان به چاپ نشریه‌ها و بروشورهای متعدد و انجام فعالیت‌های گوناگونی که به این هدف مقدس جامه‌ی عمل می‌پوشاند نیز اشاره کرد.

در کشور آلمان، چاپ فصل‌نامه‌ی «Olympisches Feuer» سابقه‌ی طولانی دارد.

«آکادمی المپیک اتریش» طی ۱۲ سال، ۱۲ شماره از نشریه‌ی «Idee» را منتشر کرده است. «آکادمی المپیک اسپانیا» کتاب‌های ارزشمندی را به چاپ رسانده است؛ از جمله کتاب‌هایی درباره‌ی تاریخ المپیک. جمهوری‌های تازه‌تأسیس شرق اروپا نیز در این زمینه بسیار فعال‌اند. «آکادمی المپیک چک»، کتابی با عنوان «Olimpic reader» را منتشر کرده است. «لاتویا» نیز یک کتاب راهنما درباره‌ی آموزش المپیک به چاپ رسانده است. مجارستانی‌ها برای کودکان دبستانی اردوهای تالیستانی المپیک و مسابقه‌ی معلومات عمومی درباره‌ی المپیک برگزار کردند. «کمیته‌ی ملی المپیک فنلاند» هم یک فیلم ویدیویی با عنوان «دست در دست» را برای مدارس تهیه کرده است. اقدام منحصر به فردی هم از سوی هلند انجام شد. این کشور یک آکادمی المپیک سیار تأسیس کرده است. اتوبوسی حامل اطلاعاتی درباره‌ی المپیک، به مدارس ابتدایی غیرانتفاعی می‌رود و در قالب‌های متنوع دیداری و شنیداری کودکان دبستانی را به شوق می‌آورد. کشورهای مختلف تلاش زیادی صرف رشد و ارتقای بازی‌های جوانمردانه کرده‌اند. ضوابط بازی جوانمردانه‌ی استرالیا دارای ویژگی‌های خاصی است، همان‌طور که در کشورهای فرانسه، آلمان و بلژیک نیز حاوی نوآوری‌هایی است. جامع‌ترین کتاب در این باره که دارای مثال‌های آموزشی متعددی است، به‌وسیله‌ی «کانون المپیک سوئیس» انتشار یافته است.

پروژه‌های آموزشی

در سال‌های اخیر، برخی از مؤسسه‌ها پروژه‌هایی تخصصی در رشته‌ی المپیک را طراحی و اجرا کرده‌اند. کشور کانادا برای نخستین بار، هم‌زمان با برگزاری بازی‌های المپیک مونترال (۱۹۷۶)، در این زمینه اقدام کرد. «اف لندری»، در نشست «آکادمی‌های بین‌المللی المپیک» (۱۹۷۷)، گزارشی از این اقدام کشور کانادا ارائه و آکادمی‌های ملی المپیک را به اجرای پروژه‌های مشابه تشویق کرد.



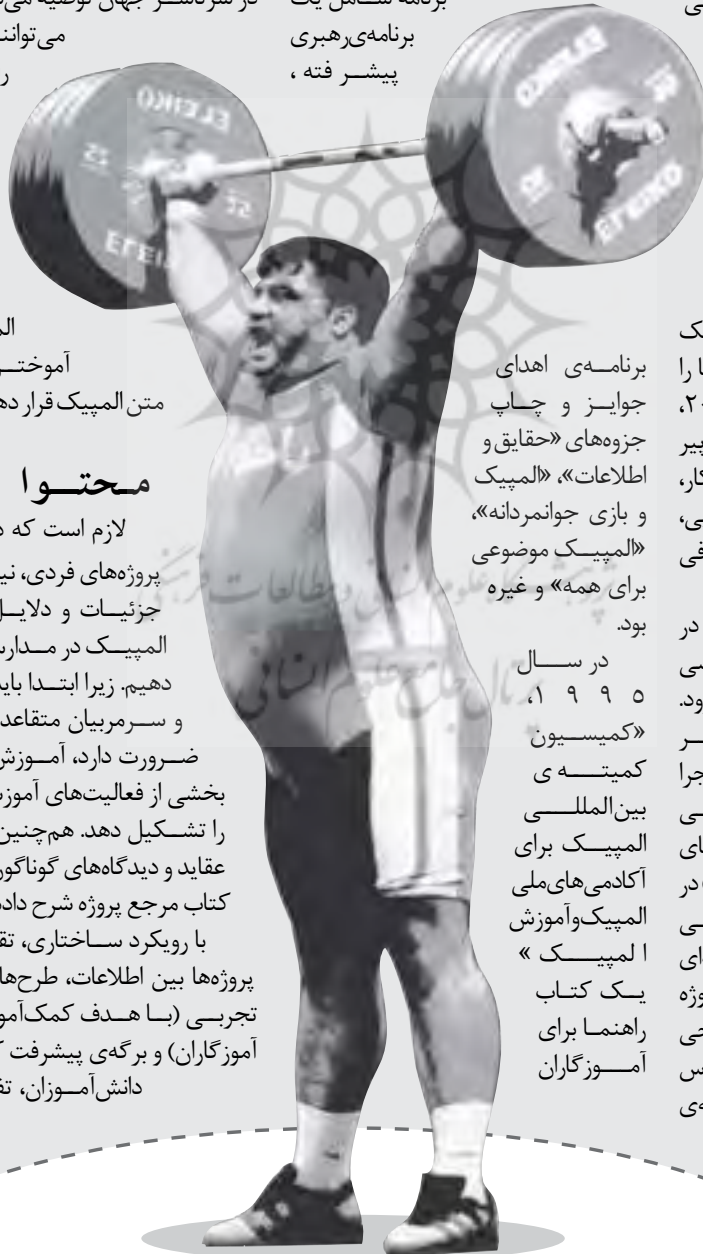
در کشور آلمان، پروژه‌های با عنوان «به المپیک مدارس بپیوندید»، هم‌زمان با برگزاری بازی‌های المپیک سئول (۱۹۸۸) به اجرا درآمد. این پروژه دانش‌آموزان زیادی را دربرگرفت و به دلیل موفقیتی که به دست آورد، در بازی‌های بعدی هم اجرا شد. کشور استرالیا نیز اقدام مهمی برای آموزش المپیک انجام داده است. به دلیل رسیدن نوبت برگزاری بازی‌ها به «ملبورن» (۱۹۹۶)، اجرای پروژه‌ی «مدارس المپیک» از سال ۱۹۹۰ آغاز شد. از این طریق دانش‌آموزان مدارس با جنبش المپیک آشنا شدند و بین آن‌ها روحیه‌ی ورزش‌دوستی یا المپیکی رواج یافت. کیفیت گرافیکی منابع آموزشی بسیار عالی بود. سطح مقدماتی برای دوره‌های ابتدایی تحصیلی و سطح تکمیلی برای دوره‌های راهنمایی تحصیلی تهیه شد. این پروژه در بازی‌های المپیک بعد نیز با عناوین متفاوت به اجرا درآمد.

«پروژه‌ی راهبردی مدرسه‌ی المپیک ۲۰۰۰»، این رویکردها و موضوع‌ها را دربرداشت: بررسی کلی المپیک ۲۰۰۰، برنامه‌ی شبکه‌ی دوستی، جایزه‌ی پیر کوپرتن، برنامه‌ی تقلید از یک ورزشکار، معرفی سایت‌ها، پروژه‌های دانشجویی، ایده‌هایی برای استفاده‌ی آموزگاران، معرفی منابع و برنامه‌های آینده.

برگزاری بازی‌های المپیک حتی در زمینه‌ی آموزشی، همواره چالشی مهم برای برگزارکنندگان به‌شمار می‌رود. برخلاف پروژه‌های آموزشی دیگر که به‌وسیله‌ی نهادهای ملی به اجرا درمی‌آیند، اجرای برنامه‌های آموزشی المپیک مرتبط با بازی‌های المپیک زمستانی نروژ (۱۹۹۴) در «لیل هامر»^{۱۰} از مدارس محلی آغاز شد و یک برنامه‌ی چندرسانه‌ای در سطح ملی به اجرا درآمد. این پروژه مخصوص مدارس شهر میزبان طراحی شده بود و با همکاری دانش‌آموزان کلاس نهم مدارس لیل هامر اجرا شد. در مرحله‌ی اجرا، سه نوع نوار کاست برای سه گروه سنی متفاوت تهیه و

نسخه‌ی اصلی برای همه‌ی مدارس کشور ارسال شد. ده برنامه‌ی رادیویی نیز مخصوص مدارس با این موضوع تهیه و برای کلاس‌ها پخش شد. بینندگان بازی‌ها و برنامه‌های تلویزیونی می‌توانستند تماشاچیان پرشور و ورزش‌دوست نروژی را مشاهده کنند.

کشور کانادا، همان‌طور که پیش از این هم گفته شد، نخستین کشوری بود که یک پروژه‌ی آموزش المپیک را طراحی و اجرا کرد. پس از سال ۱۹۷۶ برنامه‌های متعددی از جمله، «المپیک کوچک»^{۱۱} به اجرا درآمد. این برنامه شامل یک برنامه‌ی رهبری پیشرفته،



برنامه‌ی اهدای جوایز و چاپ جزوه‌های «حقایق و اطلاعات»، «المپیک و بازی جوانمردانه»، «المپیک موضوعی برای همه» و غیره بود.

در سال ۱۹۹۵، «کمیسیون کمیته‌ی بین‌المللی المپیک برای آکادمی‌های ملی المپیک و آموزش المپیک» یک کتاب راهنما برای آموزگاران

منتشر کرد. در این کتاب نمونه‌هایی از پروژه‌های آموزشی المپیک با عناوین «روحیه‌ات را حفظ کن»، «شما و بازی‌های المپیک» آمده‌اند و برای کشورهایی که هنوز برنامه‌ی آموزش المپیک برای خود تهیه نکرده‌اند، بسیار سودمند است.

«بنیاد آموزش ورزش و المپیک» که نهادی بین‌المللی واقع در یونان است، یک کتاب راهنمای آموزش ورزش و المپیک برای آموزگاران با عنوان «در زندگی قهرمان باش» را به چاپ رسانده است. مطالعه‌ی این کتاب به همه‌ی آموزگاران علاقه‌مند در سرتاسر جهان توصیه می‌شود. آن‌ها می‌توانند این کتاب را مبنای کار خود برای تشویق

نوجوانان به شناخت المپیسم و آموختن ورزش در متن المپیک قرار دهند.

محتوا

لازم است که در مقدمه‌ی پروژه‌های فردی، نیاز به شرح جزئیات و دلایل آموزش المپیک در مدارس را شرح دهیم. زیرا ابتدا باید آموزگاران و سرمربیان متقاعد شوند که ضرورت دارد، آموزش المپیک بخشی از فعالیت‌های آموزشی مدارس را تشکیل دهد. هم‌چنین، لازم است عقاید و دیدگاه‌های گوناگون مندرج در کتاب مرجع پروژه شرح داده شود. با رویکرد ساختاری، تقریباً همه‌ی پروژه‌ها بین اطلاعات، طرح‌های آموزشی تجربی (با هدف کمک آموزشی به آموزگاران) و برگه‌ی پیشرفت کار و آگاهی دانش‌آموزان، تفاوت قائل شده‌اند.